

The History of Linguistics in Ancient India with Regard to the *Syntax of Sanskrit*

Shirinn Mehmanchian¹

Mahin Mashayekhi²

The present article represents a general review of the history of linguistics studies in ancient India. Endeavour has been made to introduce some of the important people in this field who had a great influence on the evolution of linguistics in India. There after we discuss about the reasons of Indians attention to the study of linguistics. After all we focus on the syntactic area of Ancient Indians grammar and present some general information about it.

Keywords: Sanskrit, Panini, Yaska, Vedongah, Indian syntax.

¹ - M.A. student, linguistics department, Shahid Beheshti University
sh_sbu@yahoo.com

² - M.A. student, linguistics department, Shahid Beheshti University
mahsa925@yahoo.com

بررسی تاریخ زبان‌شناسی در هند باستان با نگاهی به نحو سنسکریت

شیرین مهمانچیان^۱

مهین مشایخی^۲

چکیده

مقاله حاضر پیشینه‌ای از تاریخ زبان‌شناسی در هند باستان ارائه می‌دهد و به بررسی افراد تأثیرگذار در سیر تکاملی تاریخ زبان‌شناسی در هند باستان می‌پردازد. در ادامه به علل توجه هندیان به مطالعات دستوری پرداخته می‌شود و سپس از میان حیطه‌های مطالعه دستورنویسان هند باستان، حوزه نحو در این مقاله مورد تأکید قرار می‌گیرد و اطلاعاتی در ارتباط با مقولات نحوی مختلف ارائه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: سنسکریت، پانینی، یاسکا، ودانگاه، نحو هندی

۱- مقدمه

مطالعات زبان‌شناسی در هند سابقه‌ای کهن دارد. باب این علم همواره در هند باز بوده و از آغاز تا انجام، پژوهش‌های بومی در حوزه مطالعه زبان همچون زنجیره‌ای مداوم دنبال می‌شده است. زبان‌شناسی هندی در همان مراحل آغازین از تاریخ خود به اوج شکوفایی‌اش رسید و آنچه هندیان را در آغاز بر آن داشت تا به بررسی‌های زبان‌شناختی بپردازند تلاش برای حفظ برخی از متون مذهبی و عبادی از گزند روزگار بود. دانشمندان هندی عملاً در تمامی زمینه‌های پژوهشی زبان‌شناسی در زمانی به مطالعه و تحقیق پرداختند. پانینی، مشهورترین آنها کار خود را به بررسی عمیق و فشرده‌ای درباره ساخت زبان سنسکریت محدود کرد. با این که سنسکریت حتی در دوره پانینی نیز زبانی کاملاً زنده به حساب نمی‌آمد و تنها برای مراسم مذهبی کاربرد داشت و مورد استفاده همگان

sh_sbu@yahoo.com
mahsa925@yahoo.com

۱- دانشجوی کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی
۲- دانشجوی کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

قرار نمی‌گرفت، با تلاش دستوریان هند به شکلی قاعده‌مند حفظ شد و شواهد ارزشمندی در اختیار دستوریان هندی در زمینه مطالعات زبانی ارائه کرد. تأثیر سرنوشت‌ساز زبان سنسکریت بر زبان‌شناسی اروپایی نیز بیشتر به دلیل توجه هندیان به سنت مطالعه دستور بود. این سنت که قدمتی کمتر از تاریخ مطالعه زبان‌های یونانی و لاتین نداشت روش کاملاً متفاوتی را برای مطالعه دستور عرضه می‌کرد. دستور در میان هندیان به ویژه در پژوهش‌های پانینی روشی کاملاً صوری و توصیفی را نشان می‌داد و از آن بهره می‌گرفت. هندیان زبان را هم در چارچوب بررسی‌های ادبی و هم فلسفی مورد مطالعه قرار می‌دادند. هندیان همان موضوع‌هایی را به تفصیل مورد مطالعه قرار می‌دادند که امروزه در زبان‌شناسی توصیفی جدید به آنها پرداخته می‌شود. این موضوعات شامل معنی‌شناسی، صرف، نحو، واج‌شناسی و آواشناسی است. براین اساس ابتدا گزارشی از تولد زبان‌شناسی در هند باستان ارائه و سپس به طور اجمالی مطالعات نحوی سنسکریت معرفی می‌شود.

۲- هند و تولد زبان‌شناسی

هندیان بررسی‌های زبان‌شناسی خود را چند صد سال پیش از یونانیان آغاز کردند و به ضبط و تنظیم قواعد زبان خود پرداختند. هندیان علم تجوید و قرائت وداها و دستور زبان سنسکریت را، که زبان دین و فرهنگ آنها بود، به مرحله کمال رساندند، یاسکا (سده ۶ و ۷ قبل از میلاد) و بعد از او پانینی، دو نحوی بزرگ هند، دقیق‌ترین و کامل‌ترین آثار را در این زمینه به وجود آوردند (مجتبایی؛ ۱۳۸۳: ۵۳).

در میان ابتدایی‌ترین واژگان رسمی سنسکریت نیگانتو^۱ «واژگان گنجینه مانند» به یاسکا نسبت داده شده است و آن تلاشی برای قاعده‌مند کردن واژگان مختلف است که به منظور تفهیم و تفسیر متون ودایی توسعه یافته بود. فرهنگ‌نامه او شامل واژه‌های نادر و مشکل است که به بخش‌هایی شامل تشبیه، مجاز و دیگر طبقه‌بندی‌هایی از واژه‌های مرتبط تقسیم می‌شد و برای توصیف مواد فیزیکی و اشیاء موجود در طبیعت مورد استفاده قرار می‌گرفت. در فصل دیگری وی خود را به کیفیات انتزاعی و مفاهیم محدود کرده است و در کتاب جداگانه‌ای نیز همنامی^۲هایی را توصیف می‌کند که مشکلات خاصی در تفسیر آنها مشاهده می‌شود یا اینکه معنای مهمی دارند. نیگانتوی یاسکا به همراه کتاب نیروکتای^۳ او است که در آن به قوانین اشتقاق واژه‌ها از ریشه‌ها و وندها پرداخته می‌شود. یاسکا از ساکایانا (دستورنویس قدیمی‌تر) پیروی می‌کند و چهار نوع کلمه را معرفی می‌کند:

^۱- Nighantu

^۲- homonymy

^۳- Nirukta

۱- اسم^۱

۲- فعل^۲

۳- پیشوند^۳

۴- ادات مانند حرف اضافه^۴

او فعل را به عنوان دسته‌ای از کلمات تعریف می‌کند که فرآیندها یا فعالیت‌ها را معرفی می‌کنند و اسم را به عنوان دسته‌ای از کلمات می‌داند که ماهیتی وجودی یا شیئی معرفی می‌کند و همچنین به این مطلب توجه می‌کند که چگونه گاهی اوقات افعال به شکل اسمی به کار می‌روند (شیشیر^۵، ۲۰۰۹: ۳).

اگرچه تفاوت آراء در مورد زندگی پانینی وجود دارد امروزه زبان‌شناسی کمتر می‌تواند تأثیر او و پیشینیان وی را در طلایه‌داری علم زبان‌شناسی نادیده بگیرد.

از دستوریان مشهور دیگر در هند باستان می‌توان به پاتنجلی^۶ و کاتایایانا^۷ اشاره کرد. پاتنجلی علم زبان‌شناسی را در هند به روشنی معرفی کرد. او توصیفات دقیقی از واج‌شناسی، نحو و ساخت واژه ارائه داد. در این میان حوزه‌ی نحو به ندرت مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گرفت، زیرا در این زبان که زبانی کاملاً تصریفی به شمار می‌رفت، نحو حائز اهمیت نبود و بیشتر ریشه‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گرفت و این مطالعات ریشه‌شناسی به توصیفات معنایی منتهی می‌شد.

کاتایایانا تجزیه و تحلیل کلام را مورد مطالعه قرار داد که بعدها توسط پاتنجلی تا حدی مورد بررسی قرار گرفت. بعد از او مطالعه نحو سنسکریت طبق سنت به کارگرفته شده توسط پانینی و دیگران رنگ باخت و شیوه جدیدی توسط دهادماکیرتی معرفی شد.

در این پیکره کاری که از ساکاتایانا تا پانینی دیده می‌شود، هیچ ارتباط و تأثیری بین سنسکریت و یافته‌های زبان‌شناسی اروپایی دیده نمی‌شود. مسلماً زبان سنسکریت کمک بسیاری به دستوریان هندی کرده بود، زیرا ساخت تکواژی این زبان بدون تردید به پیچیدگی زبان یونانی نبود. علاوه بر این، سنسکریت حتی در دوره پانینی نیز زبانی کاملاً زنده به حساب نمی‌آمد و تنها برای مراسم مذهبی کاربرد داشت. به همین دلیل این زبان در همان ایام نیز مورد استفاده همگان نبود و با تلاش دستوریان به شکلی قاعده‌مند حفظ می‌شد. با تمامی این اوصاف پژوهش‌های دستوریان به ویژه در دو زمینه آواشناسی و صرف خارق العاده بود. پانینی در پژوهش‌های خود نحو را نادیده گرفته بود ولی

¹- nama

²- a khyata

³- upsarga

⁴- nipata

⁵- shishira

⁶- patanjali

⁷- tatayayana

دستورنویسان پس از او حتی اروپاییان در هزار سال بعد از وی این بخش از تحقیقات او را به دست فراموشی سپردند (آلوار، ۱۳۸۵).

۳- نحو هندی

در زبان سنسکریت کلمه «ویدهی^۱» مانند نحو در تازی هم به معنی طرز و روش است و هم به معنی دستور و قاعده و هم اینکه اصطلاحی است که در کتابهای نحو سنسکریت به قواعد زبان گفته می‌شود. به طوری که در دستور زبان پانینی قواعد مربوط به تمامی حروف «ال- ویدهی^۲» قواعد مربوط به حروف شدید «چر- ویدهی^۳» و قواعد مربوط به اجزاء پایانی کلمه «پدانتته- ویدهی^۴» گفته شده است (مجتبایی، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

۳-۱- ترتیب واژگانی جمله

قدیمی‌ترین دستور سنسکریت اشتادپایی پانینی است (قرن ۵ قبل از میلاد) که ضرورتاً دستور تجویزی است و به کاربردهای صحیح می‌پردازد. اگرچه شامل بخش‌های توصیفی نیز می‌شود اکثر آنها مربوط به اشکال ودایی است که دیگر در زمان پانینی استفاده نمی‌شد. دستور زبان وی شامل توصیف دقیقی از ساخت‌واژه آواشناسی و ریشه‌شناسی سنسکریت است و می‌تواند به عنوان سطح بالایی از تحلیل زبانی در نظر گرفته شود. پانینی با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلفی از زبان، حدود ۴۰۰۰ قاعده (سوترا) را در کتاب اشتادپایی تعیین کرد. این قواعد شامل نکاتی در زمینه معنی‌شناسی، موضوعات فعل، نقش‌های موضوعی، قواعد مربوط به واژه‌سازی، فرآیندسازی واجی و غیره بود (همان: ۳).

سنت مطالعه دستور به همراه مطالعاتی در زمینه واجها و چگونگی ساخت کلمات در میان هندی‌ها مدت‌ها قبل از پانینی هم وجود داشته است. برای نمونه می‌توان از ساکاتایانا نام برد. او این مسئله را مطرح ساخت که اولین مقولات موجود در دستور، افعال هستند و اسمها از افعال مشتق می‌شوند. ساکاتایانا و دیگر زبان‌شناسان هند باستان بررسی‌های زبانی خود را بیشتر به دلیل نیاز به تفسیر متن‌های ودایی و همچنین حفاظت از وداها و سنت ودایی انجام دادند. از دیگر موارد مطالعات دستوری قبل از پانینی می‌توان از ودانگاها نام برد که به معانی تحت‌اللفظی وداها می‌پردازد. ودانگاها از شش متن تشکیل شده است و هر یک از آنها نقش‌های مختلفی دارند که عبارتند از:

مطالعه آواها و تلفظ‌های مربوط به هر هجا -Siksha-

^۱- Vidhi

^۲- al-vidhi

^۳- char-vidhi

^۴- perdanta-vidhi

- Chanda: عروض (وزن و قافیه)
- Vyakarna: مطالعه ساختار واژه‌ها و جملات
- Nirukta: معنی واژه‌های مرکب و عبارتها
- Jyotisha: مطالعه اجرام آسمانی برای یافتن زمان اجرای مناسک مذهبی
- Kalpa: دریافت‌های معنوی، روحی و شیوه‌های مرتبط با اجرای مراسم مذهبی به عنوان شیوه‌ای از زندگی

از این شش متن، چهار متن اول به بررسی زبان مربوط می‌شود (جایرام، ۲۰۰۰-۲۰۰۷) آرایش بی‌نشان جمله در زبان هندی به صورت SOV است. اگر چه در گفتار عامیانه یا حتی در متون شعری یا ادبی هندی (مانند عربی) آرایش VSO هم مجاز است. علاوه بر این وقتی واژه‌های مکرر در زبان‌های هندی به کار می‌رود، حتی حذف فاعل نیز مجاز است و آرایش واژه‌ها انعطاف‌پذیر و به صورت آرایش OV یا VO ظاهر می‌گردد.

آرایش سازه‌ها همچنین در بافت پرسش و پاسخ نیز انعطاف‌پذیری نشان می‌دهند. به علاوه در هندی تمامی این عبارات «Gaye teo tum?» (went did you?)، «Tum Goye the?» (You went did) و «Tum Goye?» (You went?) امکان‌پذیر است. پاسخ به جملات سوالی «where did you go?» می‌تواند به همین اندازه متفاوت باشد و یا با آرایش SOV معرفی شود به عنوان مثال «Main AllahaabadL (I Allahabad went)» به یک OVS تبدیل شود.

در این مورد زبان‌های هندی شبیه به یکدیگرند، اما به زبان‌های «هند و اروپایی» که انعطاف‌پذیری کمتری دارند، شبیه نیستند (شیشیر، ۲۰۰۹: ۶).

۳-۲- فعل

در سنت زبان‌شناسی هندی، فعل را به منزله هسته اصلی جمله در نظر می‌گرفتند و فعل در سنسکریت به لحاظ شخص، شمار و زمان تعریف می‌شد. در این زبان همانند زبان‌های یونانی و لاتین، فعل می‌توانست به تنهایی به عنوان یک جمله کامل به کار رود و کلمات دیگر با فعل روابطی مشخص برقرار می‌کردند. (روبینز، ۱۳۷۰: ۳۱۴).

زبان سنسکریت، همانند دیگر زبان‌های هند و اروپایی، به لحاظ ساختار صرفی و اصول اشتقاقی با زبان عربی و دیگر زبان‌های سامی تفاوت زیادی دارد و کلمات آن براساس اوزان و قالب‌های معین ساخته نمی‌شود. نحویان این زبان لفظی را که به شدن یا کردن (یعنی عمل در زمان) دلالت

داشته باشد «فعل^۱» می‌نامیدند و اسم‌ها را تماماً از افعال مشتق می‌دانستند و بیشتر اصطلاحات صرفی و نحوی را از ریشه \sqrt{kr} (کردن) ساخته‌اند (مجتبایی، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

۳-۳- مسند و مسندالیه

هندیان در نحو مسند را ašbrayin و مسندالیه را ašvraya می‌نامند که اولی به معنی تأکیدکننده و دومی به معنی تکیه‌گاه است که آن را بخش بنیادی جمله می‌دانند.

۳-۴- اقسام کلام: اسم، فعل، حرف

در نحو سنسکریت معمولاً کلمات را به چهار دسته تقسیم می‌کنند: اسم (nama: نام)، فعل (Kriya = کار یا akhyata = خبر)، حرف عامل (upasarga = افزایش، اضافه کردن)، حرف غیرعامل (nipata = اتفاقی، فرعی). در اینجا حرف عامل و غیرعامل جدا از هم در نظر گرفته می‌شود، اما در دستورنامه پانینی کلمات بر سه قسم است:

- کلماتی که به پسوندهای تعریف اسم‌ها ختم می‌شوند.^۲
- کلماتی که به پسوندهای صرفی فعل ختم می‌شوند.^۳
- کلمات غیرمتصرف^۴ که حروف عامل و غیرعامل را در این گروه قرار می‌دهد (مجتبایی، ۱۳۸۳: ۱۰۷).

۳-۵- صیغه

شکل‌های تخلف صرفی اسم و فعل را «روپه» (rupa) می‌گویند که در لغت هم به معنی «شکل و صورت» است و هم به معنی «نقره‌ای که در قالب ریخته شده و به شکلی درآمد است» (مجتبایی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

۳-۶- تصریف

تصریف در اصطلاح زبان‌شناسی به معنی گرداندن کلمات است از حالت و صورتی به حالت و صورتی دیگر. نحویان هند «تصریف» را Vyaya = دگرگون شدن، «متصرف» را vyayavat = دگرگون شده و «غیرمتصرف» را avyaya = تصریف‌ناپذیری می‌نامند (مجتبایی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

^۱- Kriya

^۲- Subanta

^۳- tinanta

^۴- avyaya

۳-۷- لازم و متعدی

در زبان سنسکریت فعل متعدی را *čvestita* می‌نامند که به معنای «گذرنده و متحرک» است. در مقابل آن فعل لازم قرار دارد که آن را *dhruva* می‌نامند و آن ثابت و بی‌تغییر است و فعل لازم در لغت هم به همین معنی است. در تعریف، فعل لازم فعلی است که در آن عمل و نتیجه عمل هر دو در یک محل یا موضوع یعنی در فاعل واقع می‌شوند و لازم آن باشند و فعل متعدی فعلی است که در آن عمل در فاعل باشد و نتیجه عمل از آن تجاوز کند و در مفعول واقع شود و به این اعتبار افعال گروه اول را «بی‌مفعول» (*akarmaka*) و گروه دوم را «با مفعول» (*sakarmaka*) هم می‌گویند (مجتبایی، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

۳-۸- معلوم و مجهول

هنگامی که فاعل فعل معلوم باشد و بیان شود آن را فعل «معلوم» می‌گویند و اگر فاعل معلوم نباشد و بیان نشود آن را «مجهول» می‌نامند. در نحو سنسکریت، فعلی را که فاعل آن معلوم باشد و بروز یابد *Abhihitakartr* می‌نامند، یعنی دارای فاعل معلوم و مشخص و اظهار شده و اگر فاعل بروز نیاید و نامعلوم باشد آن را *anabhihi takartr* می‌نامند. لفظ *abhihita* به معنی نامیده شده، اظهار شده، معلوم و مشخص و *anabhihita* متضاد آن، به معنی اظهار نشده، نامعلوم و نامشخص است (مجتبایی، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

۳-۹- حرف و ضمیر

در تعریف حرف، میان گفته‌های نحویان زبان سنسکریت و زبان تازی همانندی‌های بسیاری دیده می‌شود. نحویان زبان تازی حرف را کلمه‌ای می‌دانند که صرف نشود، یعنی مانند افعال به صیغه‌های مختلف در نیاید و مانند اسم‌ها کنیه و جمع نداشته باشد و مشتق نیز نباشد. اینکه سیبویه نیز حرف را لفظی دانسته است که اسم و فعل نباشد ناظر بر همین نکته است. در نحو سنسکریت، حروف را «بی‌تغییر» (*ovyaua*) یعنی غیرمتصرف خوانده‌اند. پاتنجلی، نحوی بزرگ هند و شارح دستورنامه پانینی، در تعریف حرف گفته است:

«آنچه در سه جنس مذکر، مؤنث و خنثی، در حالات صرفی گوناگون و در مفرد، تثنیه و جمع تغییر نکند حرف غیرمتصرف است».

ضمیر را نحویان زبان سنسکریت *Sarvanama* گفته‌اند که به معنی «نام همگانی» است و این از آن روست که ضمیر خودبه‌خود و به تنهایی به شخص یا چیز معینی اختصاص ندارد و مرجع و موضوع آن ممکن است هرکس یا هر چیز باشد. پاتنجلی این اصطلاح را چنین تعریف کرده است:

«ضمیر نامی است که بر همه چیز و همه کس اطلاق شود.» این تعریف عیناً همان سخنی است که در کتاب سیوییه درباره مبهمات و ضمایر اشاره دیده می‌شود (مجتبایی، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

۳-۱۰-۳- فاعل / استقلال فاعل از فعل

در دستورنامه‌های زبان سنسکریت، حالت‌های هشتگانه اسم دارای ترتیبی خاص‌اند که با حالت فاعلی شروع و به حالت ندا یا خطاب (amantrita) ختم می‌شود و به همین دلیل فاعل را عامل یا محرک اول (prathama karaka) و پایانه آن را اعراب اول (parthama vibhakti) نامیده‌اند. نحویان هندی در ترتیب حالات اسم، حالت فاعلی و مبتدا را حالت یا حرکت اول قرار داده‌اند. پانینی در دستورنامه‌اش فاعل را مستقل و قائم به ذات (svatantra) دانسته است؛ زیرا اولاً محور مرکز همه حالات دیگر است و همه حالت‌های هفتگانه دیگر به نوعی تابع و وابسته به آنند؛ ثانیاً، هیچ فعلی از فاعل بی‌نیاز نیست، در صورتی که فاعل خود مستقل است و اسناد فعل به آن است، یعنی فعل به آن متکی و متعلق است (مجتبایی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

۴- جمع بندی مطالب

- در سنت وازگان‌نویسی هندی فقط به موارد صرفی و اشتقاقی پرداخته نمی‌شد، بلکه به مفاهیم و معانی استعاری نیز توجه می‌شد و فصول جداگانه‌ای برای هر یک در نظر گرفته می‌شد.
- علیرغم دیدگاهی که سیر تکامی را در هند باستان ناپیوسته می‌پندارد ما با شواهدی مواجه هستیم که نشان‌دهنده سیری پیوسته از ساکاتایانا تا پانینی و بعد از او است.
- زبان‌شناسی در هند باستان هیچ ارتباطی با یافته‌های زبان‌شناسی اروپایی ندارد و تأثیری از آن نپذیرفته است.
- دستوربان هند باستان کلمه را به چهار نوع تقسیم کردند که عبارتند از اسم، فعل، پیشوند و ادات. آنان زمان را عنصر تمایزدهنده بین فعل و اسم می‌دانستند و اسم‌ها را کلا مشتقات فعل به حساب می‌آوردند و برای آنها هشت حالت در نظر می‌گرفتند.
- نحویان زبان سنسکریت وجه تمایز بین اسم و فعل با حرف را عنصر تعریف دانستند و ضمیر را نامی می‌دانند که بر همه چیز و همه کس اطلاق می‌شود.

منابع

- روبینز، ر (۱۳۷۰) تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران: نشر مرکز.
- آوار، آ (۱۳۸۵) فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها: جلد دوم؛ چاپ اول، ترجمه کوروش جعفری.
- عرفانیان‌پور، ل (۸۴-۱۳۸۳) نگاهی به ساختمان درونی کلمات مرکب قیدی در زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز.
- مجتبیایی، ف (۱۳۸۳) نحو هندی و نحو عربی، همانندی‌ها در تعاریفات و اصطلاحات و طرح قواعد، تهران، نشر کارنامه.

- Bimal Krishna Matial (1990). *The word and the world: India's contribution to the study of Language*. Oxford.
- Crystal, David (1987) *The Cambridge Encyclopaedia of Language*. Cambridge University press.
- Lak-shna sarup(2002) *The Nighantu and Nirakta* (London, H.Milfold 1920-1929. Repr. Motial Banarsidass.
- Shishir Thadani(2009), *colonial constructs about Indian Language; Indian Lnguistics and colonial formation*.
- V.Jayaram, (2002-2007), *Vedangas: The Limbs of the vedas*, [http:// mhtml: file//A:\India\The vedangas](http://mhtml:file//A:\India\The vedangas).

سازگار